

جستاری در شعر دفاع مقدس

شعر دفاع مقدس، مصداق «هنر موعود»

رضا اسلمایی
شاعر

«تو چرا می جنگی؟»
پسرم می پرسد:
من تفنگم در مشت
کوله بارم در پشت
بند پوتینم را محکم
می بندم
مادرم

آب و آینه و قرآن در دست

روشنی در دل من می بارد

پسرم بار دگر می پرسد:

«تو چرا می جنگی؟»

با تمام دل خود می گویم:

«تا چراغ از تو نگیرد دشمن»

محمدرضا عبدالملکیان

با پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) بر این نکته که «هنر دمیدن روح تعهد است در کالبد انسان ها»، هنر و ادبیات صاحب تشخص و هویت شد و با زندگی مردم پیوند خورد. از همین رو، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هنرمندان و شاعرانی که از قبله و قبیله مسلمانی بودند، با لیبک به ندای حضرت امام - که سلام و درود خدا بر او باد - در سنگر مقدس هنر و ادبیات به دنبال ایفای این رسالت الهی و انسانی بر آمدند.

هنر و ادبیات، چیزی جز تعهد به انسان و تکریم کرامت‌های انسانی نیست. این تعریفی است که در منظومه «هنر موعود» باید به بازخوانی و تفسیر آن نشست. جملات زیر از شهید سعید آوینی، تفسیر گویا و روشنی برای تعریف هنر موعود است: «هنرمند، رازدار خزان غیب است و زبان او زبان تمثیل و تمثل است؛ پس باید رمز و راز او ظهور حقایق متعالی و کیفیت حضور و ظهور امر قدسی را در جهان بشناسد...» آری، ما به‌عنوان یک انسان مسلمان که بهره‌ای از هنر داریم، چشم به آینده موعود دوخته‌ایم. آینده‌ای که خورشید مهدویت در آسمان جهان می‌درخشد و مستضعفان به وراثت زمین برگزیده می‌شوند. بنابراین «هنر و ادبیات» ما باید از هم اکنون چشم به افق این آینده موعود بدوزد و هنرمندان ما برای رسیدن به قاف کمال چنین آینده روشنی، کمر همت ببندند. از این منظر، می‌توان گفت که هنر و ادبیات «دفاع مقدس و پایداری»، جلوه‌ای حماسی از هنر و ادبیات موعود است.

■ پایداری برای آزادی

فلسفه هشت سال دفاع مقدس ملت سربلند ایران نیز چیزی جز زدن مهر تأیید روی این ادعای روشن نبود. اینکه ما نسبت به «وضعیت موجود» که محصول زیاده خواهی جهانخواران است معترضیم و به دنبال تحقق آرمانشهر موعودیم، افق موعود در فرهنگ مقاومت و پایداری، چیزی جز «ظلم ستیزی» و «مظلوم نوازی» نیست. در طول هشت سال دفاع مقدس، مجاهدان جان بر

کف اسلام با اقتدا به سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، ثابت قدم و استوار بر این اصل پای فشردند که ما فرزندان عاشوراییم، نه ظلم می‌کنیم و نه زیر بار ظلم می‌رویم. ما ایستادیم تا به مستضعفان جهان جرأت و شهامت «نه» گفتن به قدرت‌های استکباری و شیطانی را بیاموزیم. ما ایستادیم تا به انسان بیاموزیم که «آزادی» گوهر نایابی است که تنها با ایثار جان به دست می‌آید. ما ایستادیم و در کوره مقاومت آبدیده شدیم تا فرزندان‌مان در فردای تاریخ آزاد و سربلند زندگی کنند و با شبچراغ ایمان، خیمه‌های کفر و ظلمت و پلشتی را در سراسر گیتی به آتش بکشند. و بدین‌گونه بود که فصل جدیدی در ادبیات معاصر به‌نام «ادبیات مقاومت و پایداری» گشوده شد.

■ کارنامه درخشان شعر دفاع مقدس

شعر دفاع مقدس در مقایسه با سایر گونه‌های ادبی - از نظر کمی و کیفی - کارنامه پروپیمان‌تری دارد. در طول چهار دهه گذشته شاعران بسیاری فراز و نشیب‌های سرنوشت ساز دفاع مقدس را دستمایه خلق و آفرینش آثار فاخر ادبی قرار داده‌اند. شعر دفاع مقدس در تمام سال‌های بعد از انقلاب در کسوت یک بسیجی جان برکف، همیشه در صحنه حضور داشته و رسالت خود را در پاسداری از انقلاب بخوبی انجام داده است، ولی این حرف به معنای به کمال رسیدن آن نیست. برای رسیدن به قله هنوز راه زیادی باقی مانده است.

شعر دفاع مقدس، شعری اصالت مند و رسالت‌مند است. خیمه‌ای که بر عمود «عشق و ایمان و تعهد» بنا شده است. شعر شاعران دفاع مقدس، برآمده از جوهره و ذات فرهنگ شیعی است. شاعر دفاع مقدس، خضر راه بلدی است که با انگشت هنرش مسیر راستی و رستگاری را نشان می‌دهد و گمراهان را از چاه به راه می‌آورد تا زیر تابش آفتاب دانایی و بینایی تا «خدا گونگی» بیالند و قد بکشند. رسالت یک هنرمند متعهد و مسئول آن است که در عالم هستی صلا‌ی پایداری بزند و چشمان خفتگان جهل را با نور آگاهی روشن کند. در آموزه‌های دینی نیز مبارزه با جهل و خرافه، جهادی بزرگ و قابل ستایش است. در اسلام مبارزه با آفات حقیقت سوزی همچون جهل و خرافات، رسالتی مقدس و هم شأن رسالت پیامبران توحیدی است. چنانکه پیامبر اکرم(ص) به هنگام اعزام یکی از صحابه خویش به‌نام «معاذ بن جبل» به یمن به او چنین سفارش می‌کند: «ای معاذ! آثار جاهلیت و افکار و عقاید خرافی را از میان مردم نابود کن و کوچک و بزرگ سنن اسلام را که همان دعوت به تفکر و تعقل است، احیا کن».

■ هنر متعهد، در انداختن «طرحی نو»

آری، در جهان بینی اسلامی «هنر و ادبیات»

سنگر رسالت و دانشگاه انسان‌سازی است و بی‌هیچ تردیدی اسلام طرفدار و مبلغ هنر و ادبیات متعهد است. هنرمند متعهد و آرمان‌گرا موجودی خیال پرداز و احساساتی نیست، بلکه انسانی است «شاعر» به معنای واقعی کلمه، شاعری از جنس «نور و حضور». هنرمند تراز اسلام، در سلوک هنرمندانه خویش به دنبال فاصله گرفتن از «عادت» و رسیدن به مرز «حقیقت» و «معرفت» است. تلاش هنرمندانی از این جنس، پرهیز از «عقل ستیزی» و «عقل گریزی» و ایجاد تعامل و پیوند بین «عقل و احساس» برای تحقق جامعه آرمانی و انسانی است

هنرمند متعهد و آرمان‌گرا موجودی خیال پرداز و احساساتی نیست، بلکه انسانی است «شاعر» به معنای واقعی کلمه، شاعری از جنس «نور و حضور». هنرمند تراز اسلام، در سلوک هنرمندانه خویش به دنبال فاصله گرفتن از «عادت» و رسیدن به مرز «حقیقت» و «معرفت» است. تلاش هنرمندانی از این جنس، پرهیز از «عقل ستیزی» و «عقل گریزی» و ایجاد تعامل و پیوند بین «عقل و احساس» برای تحقق جامعه آرمانی و انسانی است

هنرمندانی از این جنس، پرهیز از «عقل ستیزی» و «عقل گریزی» و ایجاد تعامل و پیوند بین «عقل و احساس» برای تحقق جامعه آرمانی و انسانی است. هنرمند متعهد و آرمان‌گرا موجودی خیال پرداز و احساساتی نیست، بلکه انسانی است «شاعر» به معنای واقعی کلمه، شاعری از جنس «نور و حضور». هنرمند تراز اسلام، در سلوک هنرمندانه خویش به دنبال فاصله گرفتن از «عادت» و رسیدن به مرز «حقیقت» و «معرفت» است. تلاش



ماندن به رکود.

و اینگونه است

که من همیشه از بیداری می‌گویم در شعر

وقتی که شهر خوابیده بود، بیدار بودم

و از بیداری گفتم

از راه، از حرکت

همیشه از بیداری می‌گویم.

تا بازوان عشق زیر سر ماست

باید بیدار بود

سلام بر تو

که بیداری...

■ روایت شاعرانه واقعه

شعر دفاع مقدس، روایت مظلومیت انسان در شبیخون بی‌امان توپ و تانک و مسلسل است. شاعر دفاع مقدس، رزمنده‌ای جان بر کف است که در قلب واقعه زندگی می‌کند. از همین رو روایت او از جنگ، روایتی بی‌واسطه و صادقانه است. او با احساسی زلال و با صداقتی مثال زدن‌ی دست ما را می‌گیرد و به قلب حادثه می‌برد. تصویر گری‌های او از صحنه‌های جنگ و گزارش لحظه به لحظه او از واقعه باعث می‌شود ما با شاعر همذات پنداری کنیم و همچون جان داغدار و بر گور اصالت‌های بر باد رفته بگرییم.

برای مثال بی‌مناسبت نیست که در اینجا اشاره‌ای به فرازی از «شعری برای جنگ» قصیر امین‌پور داشته باشیم. توصیف‌های شاعر در این فراز از شعر باور پذیرترین توصیف‌هاست، آن چنان واقعی است که ما خود را در دزفول و در کنار مردمی می‌بینیم که با دست‌های خالی در برابر هیولای سراپا مسلح «تجاوز» با شجاعت بسیار استقامت می‌کنند و برای حفظ آب و خاک میهن اسلامی خویش، در برابر دشمن، سینه سپر می‌کنند و به فیض شهادت نائل می‌شوند:

اینجا / گاهی سر بریده مردی را / تنها / باید ز بام دور بباریم / تا در میان گور بخوابانیم / یا سنگ و خاک و آهن خونین را / وقتی به چنگ و ناخن خود می‌کنیم / در زیر خاک گل شده می‌بینیم: / زن روی چرخ کوچک خیاطی / خاموش مانده است / اینجا سیور هر صبح / خاکستر عزیز کسی را / همراه می‌برد / اینجا برای ماندن / حتی هوا کم است / اینجا خبر همیشه فراوان است / اخبار بارهای گل و سنگ / بر قلب‌های کوچک / در گورهای تنگ...

با سلام و درود به ارواح طیبه شهیدان هشت فصل عشق و با آرزوی پیروزی حق طلبان در سراسر جهان، این یادداشت را با فرازی درخشان از بیانات حضرت امام(ره) به پایان می‌برم. فرازی که می‌تواند «فصل الخطابی» برای همه شاعران دفاع مقدس برای تداوم این راه روشن داشته باشد:

«تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم».

نفر به شهادت رسیدند و ۱۰۰ نفر اسیر شدند. از نیمه اول سال ۵۹ درگیری‌های مرزی فوق العاده زیاد شد و تقریباً هر دو هفته یک بار یکی از پاسگاه‌های مرزی ایران محاصره می‌شد.

از آنچه که گذشت می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که عراق از مدت‌ها پیش خود را برای جنگ با ایران آماده کرده بود. او پیش از جنگ، با کمک حزب دموکرات، نیروهای مسلح ایران را از مرز پیرانشهر تا اشنویه و از مهاباد تا جنوب کردستان درگیر ساخته بود و با آغاز جنگ دیگر نیازی نداشت که برای این مناطق نیروی اساسی تخصیص دهد.

رئیس‌جمهوری عراق با تصور نادرست از وضعیت قدرت نظامی و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جمهوری اسلامی و با گمان ضعف نظامی و سیاسی ایران و اطمینان از موفقیت و پیروزی ارتش عراق، جنگ را برنامه‌ریزی کرد. صدام محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را برای چنین حمله‌ای مناسب و مساعد دید.

دولت عراق با آغاز جنگ قصد داشت تا ظرف چند روز یا چند هفته به یک پیروزی عظیم نظامی برسد. عراق سعی می‌کرد از طریق جنگ بر رودخانه اروند تسلط یابد و قرارداد مرزی ۱۹۷۵ را ملغی اعلام کند. همچنین با جداسازی استان خوزستان از ایران و تصرف مناطق مشخصی از غرب کشور، ایران را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های خویش کند و خود را به‌عنوان قهرمان جهان عرب در جنگ قادسیه لقب دهد ولی برخی واقعیت‌ها و حقایق را در مورد ملت ایران نادیده گرفته بود. البته آنچه دولت عراق مشاهده می‌کرد، بسیار متفاوت بود با آنچه که بعدها در جریان مقاومت ملت ایران در برابر تهاجم و تجاوز گسترده ارتش عراق اتفاق افتاد و حماسه‌ای ماندگار از مقاومت یک ملت در برابر تهدیدات و تجاوز خلق کرد.



انفجارهایی انجام می‌دادند. ب- پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از شورشیان کردستان ایران (حزب دموکرات، کومله و...) ج- حمایت از انفجارها، آدم ربایی، ترور و حتی تجاوزات محدود مرزی د- همراهی با کودتای انقلاب یا نوزده ه- حمله به پاسگاه‌ها و عبور ضدانقلاب مسلح تحرکات ارتش عراق قبل از حمله سراسری در جدار الف- پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از [گروهک] خلق عرب برای ایجاد ناامنی در خوزستان و انفجار خطوط انتقال نفت، همچنین در حوادث خلق عرب. کنسولگری عراق و مدرسه عراقی‌ها در خرمشهر به آموزشگاه نظامی برای کسانی تبدیل شده بود که پس از ۴۹۱ مورد درگیری مرزی صورت گرفت که در آن‌ها ۱۰۶

دولت در تبعید از همان هفته‌های نخست پیروزی عراق، سازمان سیا و آمریکا از جاه‌طلبی صدام برای برافروختن جنگ بین دو کشور بهره‌برد. و فیک السامرایی مسئول اطلاعات ارتش عراق در دوران صدام نیز هدف صدام از حمله به ایران را در سه بخش تبیین کرده است: اول - لغو معاهده ۱۹۷۵ م الجزایر که صدام باور داشت این معاهده در دوره ضعف بر عراق تحمیل شده است؛ دوم- تجزیه ایران و الحاق خوزستان (از دید صدام - عربستان) به عراق؛ سوم- سرنگونی حکومت انقلابی ایران و تشکیل دولت دست‌نشانده صدام در تهران. به همین خاطر هم‌زمان با طراحی حمله به ایران، مقدمات تشکیل

دلایل و زمینه های وقوع جنگ

عبدالله ازهری
کارشناس مسائل
استراتژیک جنگ

درباره دلایل رژیم بعث عراق برای آغاز جنگ مختلفی از جمله اختلافات دیرینه مرزی پیامدهای حاصل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران در چارچوب نظریه پیوستگی انقلاب و جنگ مطرح شده است.

مؤلفه های دیگری مانند برهم خوردن توازن نظامی بین دو کشور پس از انقلاب، احساس رژیم عراق مبنی بر تهدید از ناحیه جمهوری اسلامی تحت عنوان «صدور انقلاب» و از طرف مقابل تمایلات توسعه طلبانه رژیم بعث و بهره برداری از فرصت جدیدی که بر اثر تحولات ناشی از شرایط ایران فراهم گردید، نیز مطرح شده است.

هرچند باید در نظر داشت که عوامل دیگری همچون ترس رژیم عراق از شورش های داخلی به دنبال انقلاب ایران نیز در این تصمیم تأثیر داشت. آوج گرفتن مبارزات برضد رژیم پهلوی، موجب ترس حاکمان عراق شد، چراکه شیعیان بسیاری در عراق زندگی می کردند که ممکن بود انقلاب ایران را الگو قرار دهند و آنها نیز علیه حاکمان این کشور قیام کنند. به همین دلیل، به تدریج، رفتار رژیم بعث با ایرانیان تغییر کرد و از سال ۵۶، اندیشه مقابله با ایران در این رژیم شکل گرفت، طوری که صدام با اخراج امام و بدرقاری از مبارزان ایرانی عملاً مخالفت خود را با انقلاب درحال پیروزی و مبارزان رژیم پهلوی نشان داد.

با شروع انقلاب اسلامی ایران، نوعی چرخش و هم جهتی با آمریکا در دولت عراق، در مقابله با انقلاب اسلامی پدید آمد که نشان دهنده پیوستگی تجاوز عراق

با اقدامات قبلی علیه انقلاب اسلامی ایران و تجاوزات مرزی قبل از آغاز جنگ بود. حضور استخبارات عراق در حوادث کردستان در سال ۵۸ با کمک به گروهک خلق عرب خوزستان و همکاری های استخبارات با این جریان و موضوعات دیگر نیز شواهدی بر این مدعاست. عده ای نیز معتقدند جنگ ایران و عراق برآیند عوامل تاریخی و نظامی متعددی بود که برخی از آنها در اختلافات تاریخی طولانی بین دو فرهنگ و دولت عرب و عجم (فارس) ریشه دارد. در حالی که عده ای به عوامل بیرونی از منطقه به منطقه مخالفت غرب (امریکا و اروپا) توجه کرده اند و تحمیل جنگ از طریق رژیم عراق را ضرورت کنترل ایدئولوژی سیاسی نوین اسلام از ناحیه آنان برمی شماردند، محدود کردن موضوع به اختلافات مرزی و تصورات رژیم عراق از ضعیف شدن ایران به سبب وقوع انقلاب اسلامی و در نتیجه یک فرصت مناسب تاریخی برای آغاز کردن جنگ نیز از حمله نظریه های موجود در این باره است.

دلایل حمله ارتش بعث عراق به هر کدام از نظریه های فوق نیز مرتبط باشد با این حال نافی این نکته نیست که بی تردید شخص صدام اصلی ترین نقش را در تصمیم گیری برای حمله به ایران داشته است. محاسبات صدام بر این مبنا بود که شرایط نابسامان داخلی و بین المللی ایران و همچنین توسعه قدرت نظامی ارتش عراق، این کشور را سریع و آسان به اهداف خود در جنگ خواهد رساند.

از نظر صدام، سقوط محمدرضا پهلوی و هرج ومرج سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی در ایران فرصت مناسبی برای او بود تا به این اقدام مبادرت نماید.

به علاوه تعدادی از افسران عالی رتبه بعثی که صدام

قبل از جنگ آنان را در مناصب بالا گمارده بود، معتقد بودند که فروپاشی ظاهری ارتش شاه بدین معناست که می توان به راحتی به سمت ایران هجوم برد که البته